

Mystical Ethics in the Challenge of Identity with Practical Mysticism

Mahsa Shoeibi¹, Vahid Vahed Javan², Behrouz Mohammadi Monfared³

1. PhD student, Department of Islamic Ethics, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran. ms.shoeibi@alumni.ut.ac.ir
2. Faculty member and associate professor, University of Tehran, Department of Islamic Ethics, Faculty of Education and Islamic Thought. vahedjavan@ut.ac.ir
3. Faculty member and associate professor, Department of Islamic Ethics, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran. muhammadimunfared@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Scientific Research Article history: Received: 2025-01-22 Received in revised form: 2025-01-22 Accepted : 2026-02-09 Available online: 2026-02-23 Keywords: '<i>Irfānī Ethics</i>, Practical Mysticism (<i>al- 'Irfān al- 'Amalī</i>), Ethical Approaches, Mystical Foundations, Ethics and Mysticism..	'<i>Irfānī ethics</i> (mystical ethics), as one of the major approaches within Islamic ethics, plays a significant role in explaining moral virtues (<i>faḍā'il</i>) and vices (<i>raḍā'il</i>) on the basis of the metaphysical and epistemological foundations of Islamic '<i>irfān</i>. Drawing upon the principles of Islamic mysticism, this approach examines the dispositions (<i>malakāt</i>) and qualities of the soul (<i>nafs</i>) together with the actions that arise from them, while offering practical guidance for acquiring virtues and avoiding vices in order to promote the moral and spiritual perfection (<i>kamāl</i>) of the human being. Nevertheless, one of the major challenges in this field is the ambiguity surrounding the definition of '<i>irfānī ethics</i> and its distinction from <i>practical mysticism</i> (<i>al- 'irfān al- 'amalī</i>). The present study addresses this issue by investigating the following question: What is '<i>irfānī ethics</i>, and how does it differ from practical mysticism and non-mystical ethical approaches? The findings indicate that '<i>irfānī ethics</i> is a discipline that explains ethical issues on the basis of the principles of Islamic mysticism and is fundamentally distinct from practical mysticism with respect to its subject matter, objectives, and principal concerns. The subject of '<i>irfānī ethics</i> is the moral qualities and voluntary actions of the soul, whereas practical mysticism is concerned with the spiritual stations (<i>maqāmāt</i>) and inner states (<i>aḥwāl</i>) of the heart on the path of spiritual wayfaring (<i>sulūk</i>). Likewise, the primary objective of '<i>irfānī ethics</i> is to identify moral virtues and vices and to explain the means of acquiring or avoiding them, whereas the ultimate goal of practical mysticism is the realization of true <i>tawḥīd</i> through annihilation in God (<i>fanā' fi Allāh</i>) and spiritual subsistence in Him (<i>baqā' bi Allāh</i>). By offering a comprehensive definition of '<i>irfānī ethics</i> and clarifying its distinction from practical mysticism, this study seeks to provide a clearer conceptual framework for employing the potential of this approach in moral and spiritual education.

Cite this article: Shoeibi Mahsa, Vahed Javan Vahid, Mohammadi Monfared Behrouz. (2026) Mystical Ethics in the Challenge of Identity with Practical Mysticism. *Contemporary Researches on Islamic Revolution*, Volume 2, Issue 1, July 2026, pp. 1-34.

<https://doi.org/10.22059/jikt.2026.389194.1018>



© The Author(s)

Publisher: University of Tehran

<https://doi.org/10.22059/jikt.2026.389194.1018>

اخلاق عرفانی در چالش این‌همانی با عرفان عملی

مهسا شعبی^۱، وحید واحد جوان^۲، بهروز محمدی منفرد^۳

۱. دانشجوی دکترا، گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران ms.shoeibi@alumni.ut.ac.ir

۲. وحید واحد جوان، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی

vahedjavan@ut.ac.ir

۳. بهروز محمدی منفرد، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی

muhammadimunfared@ut.ac.ir

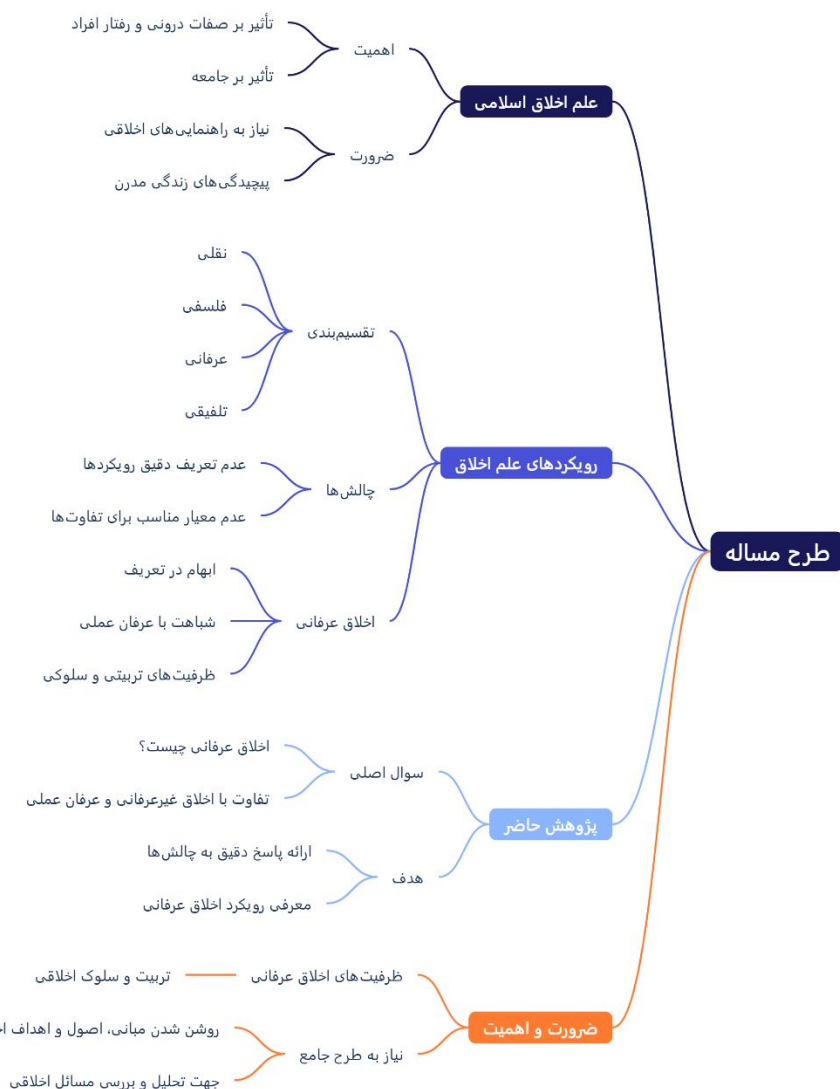
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ کلیدواژه‌ها: اخلاق عرفانی، عرفان عملی، رویکردهای اخلاقی، مبانی عرفانی، تفاوت علم اخلاق و عرفان	اخلاق عرفانی به عنوان یکی از رویکردهای مهم در علم اخلاق اسلامی، نقش بسزایی در تبیین فضایل و رذایل اخلاقی بر اساس مبانی عرفانی ایفا می‌کند. این رویکرد، ضمن بهره‌گیری از اصول و مبانی عرفان اسلامی، به بررسی صفات نفسانی و رفتارهای برآمده از آن‌ها می‌پردازد و با ارائه راهکارهایی برای کسب فضایل و دوری از رذایل، زمینه ارتقای معنوی و اخلاقی انسان را فراهم می‌سازد. با این حال، یکی از چالش‌های مهم در این حوزه، ابهام در تعریف و تمایز اخلاق عرفانی از عرفان عملی است. پژوهش حاضر با هدف رفع این ابهام، به بررسی این پرسش پرداخته است که اخلاق عرفانی چیست و چه تفاوتی با عرفان عملی و اخلاق غیرعرفانی دارد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق عرفانی، علمی است که به تبیین مسائل اخلاقی بر اساس مبانی عرفانی می‌پردازد و از حیث موضوع، غایت و مسائل، تفاوت‌های اساسی با عرفان عملی دارد. در حالی که موضوع اخلاق عرفانی، صفات و افعال نفسانی است، موضوع عرفان عملی بر مقامات و احوال قلبی متمرکز است. همچنین غایت اخلاق عرفانی، شناخت فضایل و رذایل و راه‌های کسب یا دوری از آن‌هاست؛ در حالی که غایت عرفان عملی، وصول به توحید حقیقی و فنا فی‌الله است. این پژوهش با ارائه تعریفی جامع از اخلاق عرفانی و تمایز آن از عرفان عملی، تلاش دارد تا مسیر روشن‌تری برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های این رویکرد در حوزه تربیت اخلاقی و معنوی فراهم سازد.

استناد: شعبی مهسا، واحد جوان وحید، محمدی منفرد بهروز (۱۴۰۵). اخلاق عرفانی در چالش این‌همانی با عرفان عملی، پژوهشنامه معارف و اندیشه اسلامی، ۱-۳۴

 <https://doi.org/10.22059/jikt.2026.389194.1018>
نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه تهران

طرح مسئله:



علم اخلاق اسلامی یکی از بخش‌های مهم علوم اسلامی است و اهمیت این علم در جامعه اسلامی به دلیل تأثیر مستقیم آن بر صفات درونی و رفتار افراد و در نتیجه بر جامعه به طور کلی است. این علم به انسان‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها و مسائل اخلاقی، تصمیمات درست و مطابق با ارزش‌های اخلاقی بگیرند. ضرورت علم اخلاق اسلامی در جامعه امروز بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود، زیرا با پیچیدگی‌های زندگی مدرن و مواجهه با مسائل نوظهور، نیاز به

راهنمایی‌های اخلاقی که بر پایه ارزش‌های ثابت و پایدار باشد، بیش از پیش نمایان است. با توجه به این نکات، ترویج و آموزش علم اخلاق اسلامی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای سطح اخلاقی و معنوی جامعه ایفا کند.

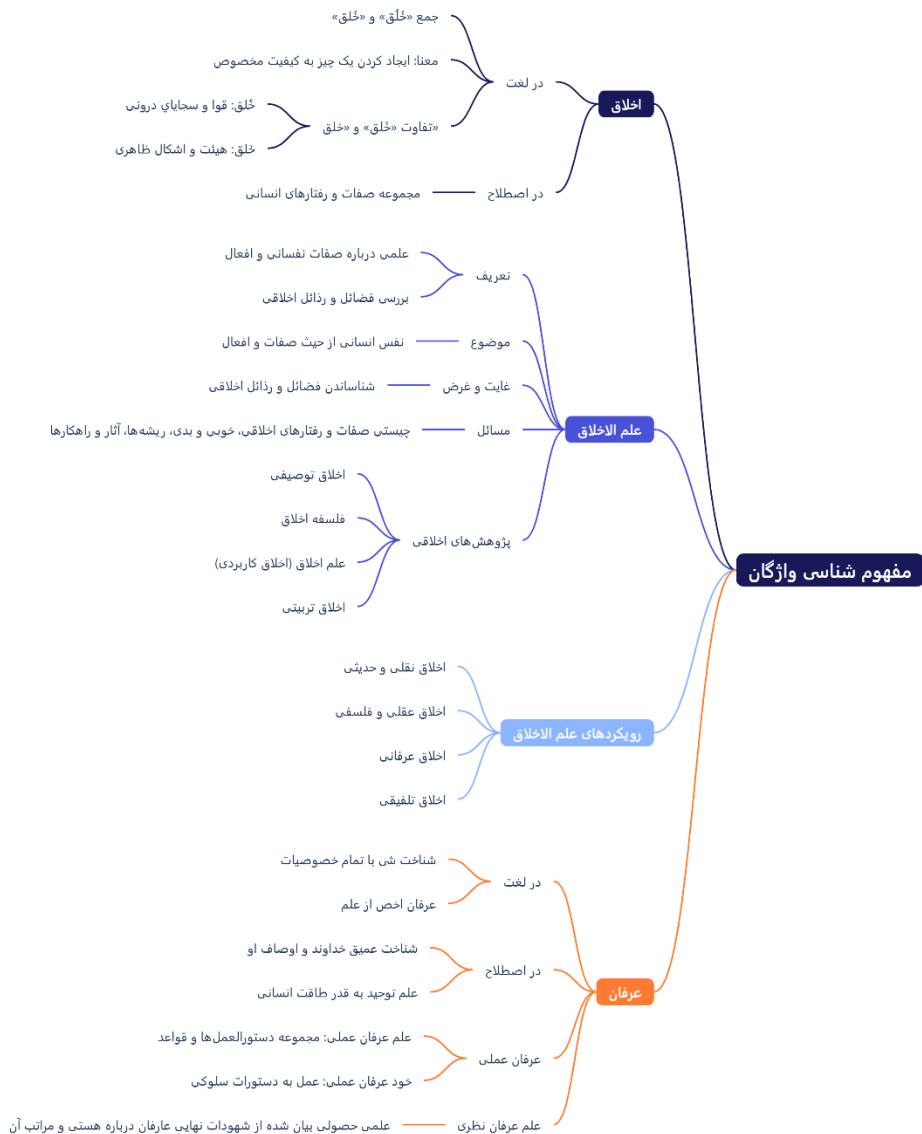
در این راستا، برخی از کتاب‌ها و آثار علمی، علم اخلاق را به چهار رویکرد نقلی، فلسفی، عرفانی و تلفیقی تقسیم نموده‌اند و برای هر کدام، معیارها و شاخص‌هایی ارائه کرده‌اند به طوری که اکنون این رویکردها شهرت زیادی یافته است اما با بررسی دقیق‌تر، درمی‌یابیم که اولاً تعریف دقیقی از برخی رویکردها - به طور ویژه اخلاق عرفانی - وجود ندارد و ثانیاً معیار مناسب و قابل قبولی برای تفاوت آن رویکردها ارائه نشده است تا جایی که این مسئله - با نگاه به رویکرد اخلاق عرفانی - به گونه‌ای شکل یافته که برخی، اخلاق عرفانی را با عرفان عملی یکسان دانسته‌اند و برخی دیگر، وجود چنین رویکردی را در حوزه اخلاق انکار کرده‌اند؛ در حالی که اگر اخلاق عرفانی به طور صحیح معرفی گردد و معیارش مشخص شود، می‌تواند یکی از مؤثرترین و کارآمدترین رویکردها در زمینه علم اخلاق محسوب شود و بسیاری از مشکلات و پیچیدگی‌های مرتبط با مسائل اخلاقی را حل کرده و پاسخ‌های مناسبی برای سوالات موجود فراهم نماید.

بر اساس مشکلی که مطرح شد، پژوهش حاضر تلاش دارد با طرح سوال اصلی: اخلاق عرفانی چیست و چه تفاوتی با اخلاق غیرعرفانی و عرفان عملی دارد؟ بتواند پاسخی دقیق و همه جانبه به چالش این‌همانی اخلاق عرفانی و عرفان عملی ارائه نماید و رویکرد اخلاق عرفانی را که از بهترین رویکردهای علم اخلاق می‌تواند باشد از جهات گوناگون به جامعه علمی اخلاقی معرفی نماید.

ضرورت و اهمیت این موضوع از آن جهت است که اخلاق عرفانی ظرفیت‌های فراوانی در زمینه تربیت و سلوک اخلاقی دارد و برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها، لازم است ابتدا طرحی روشن و جامع از مبانی، اصول و اهداف اخلاق عرفانی ارائه شود و این رویکرد به روشنی معرفی گردد تا محققان بتوانند با استفاده از این چارچوب، به مسائل مختلف اخلاقی ورود کرده و به تحلیل و بررسی آن‌ها بپردازند.

۱. مفهوم‌شناسی واژگان

در این قسمت به مفهوم‌شناسی واژه‌ها می‌پردازیم.



۱.۱. اخلاق

«اخلاق» در لغت، جمع کلمات خُلُق و خُلُق است (معین، ۱۳۷۸: ذیل واژه خلق) که معنای اصلی ریشه این ماده (خل ق) به آفریدن یا ایجاد کردن چیزی با ویژگی و کیفیت خاص اشاره دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۱۵/۳).

اخلاق در اصطلاح دانشمندان و علمای اخلاق، معانی و کاربردهای متفاوتی دارد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چند قول و وجه برای تعریف اصطلاحی اخلاق در نظر گرفت:

الف. ملکات نفسانی (ابن مسکویه، ۱۳۷۳: ۱۱۵؛ غزالی، ۱۴۰۹: ۱۱۰؛ حلی، ۱۴۱۳: ۱۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۴؛ نراقی، ۱۳۸۸: ۵۵/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۰/۱) ب. ملکات و افعال برآمده از آنها (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۵/۲) افعال ارزشی (با اعتقاد درونی) در راستای کمال (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۱۴/۱) د. مطلق افعال (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۱۳؛ ریچلز، ۱۳۸۷: ۳۰؛ پالمر، ۱۳۸۵: ۱۹؛ ژکس، ۱۳۶۲: ۱۰)

به نظر پژوهش حاضر، اخلاق مجموعه صفات و رفتارهایی است که معمولاً در انسان وجود دارد (به رفتارها از باب توسعه معنا و از این جهت که بیانگر و نشانگر صفات درونی و برآمده از ملکات نفسانی است، اخلاق گفته می‌شود)

به عنوان مثال، اگر فردی به‌طور مداوم دروغ بگوید، این رفتار نشانگر صفت درونی اوست و می‌توان گفت که این فرد دارای صفت دروغ‌گویی است. اما اگر کسی به‌ندرت دروغ بگوید، نمی‌توان این صفت را به او نسبت داد، زیرا این رفتار به‌صورت معمولی از او صادر نمی‌شود.

ادله این نظر، لغت، عرف و وجدان است. در واقع، زمانی گفته می‌شود اخلاق یک فرد چنین است که کسی صفت یا رفتاری را در بیشتر مواقع (گرچه پایدار و ثابت و همیشه نباشد) داشته باشد. همچنین سلب اخلاق از صفت و رفتاری که به ندرت از انسان صادر می‌شود، صحیح است و این صحت سلب نشانگر این است که تا صفت و رفتاری معمولاً از انسان صادر نشود به آن خلق نمی‌گویند.

۱.۲. علم الاخلاق

از دیرباز در کتب اخلاقی اسلامی تعاریف متعددی برای علم اخلاق بیان شده است از جهاتی تفاوت و از جهاتی تقارب دارند. به عنوان نمونه: نیکو ساختن افعال و رفتار آدمی (ابن مسکویه، ۱۳۷۳: ۱۲۱) شناخت فضایل و رذایل اخلاقی و چگونگی عمل به خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۵) و فنی که به بررسی ملکات انسانی می‌پردازد، ملکاتی که مرتبط با قوای نباتی، حیوانی و انسانی او هستند و در تبیین تفاوت میان فضایل و رذایل نقش دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۱/۱)

با توجه به معنای اصطلاحی اخلاق، بهتر است در تعریف علم اخلاق چنین گفته شود: علم اخلاق علمی است که درباره صفات نفسانی انسان و افعال بر آمده از آنها (فضائل و رذائل اخلاقی) از جهت تعریف، دلیل خوبی یا بدی، ریشه ها و عوامل، نشانه ها، پیامدها و راهکارهای تحصیل و تقویت صفات نفسانی و رفتارهای پسندیده و دوری از صفات نفسانی و رفتارهای ناپسند، بحث می کند.

در رابطه با موضوع علم اخلاق نظراتی بیان شده است که به طور کلی به چند دسته تقسیم می شود:

۱- نفس انسانی (از جهت)؛ اندیشمندانی که موضوع علم اخلاق را نفس انسان دانسته اند، گاه حیثیات متفاوتی برای این موضوع در نظر گرفته اند؛ مانند: نفس ناطقه و قوای عملی آن (ابن سینا: ۱۴۰۴: ۲۰۷) نفس انسانی از آن جهت که از او افعال خوب و بد صادر می شود. (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۵) نفس ناطقه انسانی که حقیقت انسان است (نراقی، ۱۳۸۸: ۴۱۰/۱) و نفس انسانی و تهذیب نفس و قوا. (جوادی، ۱۳۸۷: ۱۴۵/۱)

۲- صفات و ملکات نفسانی؛ از تعریفی که علامه طباطبایی از علم اخلاق ارائه می دهند و علم اخلاق را عهده دار بیان ملکات انسانی مرتبط با قوای نباتی، حیوانی و انسانی می دانند، می توان چنین برداشت کرد که ایشان نیز موضوع علم اخلاق را ملکات نفسانی دانسته اند. (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۱/۱) بر اساس بیان استاد مصباح نیز، موضوع علم اخلاق شامل صفات خوب و بدی است که به افعال اختیاری انسان ارتباط دارند و برای او قابل کسب یا پرهیز هستند. (مصباح، ۱۳۹۱: ۲۵)

۳- اعمال و افعال ارادی انسان؛ برخی از علمای معاصر موضوع علم اخلاق را اعمال اختیاری و ارادی انسان می دانند. (امین، ۱۳۷۳: ۱۰؛ بیصار، ۱۹۷۳: ۲۲۴؛ مغنیه، ۱۳۶۱: ۱۵)

از نظر پژوهش حاضر، با توجه به معنای اصطلاحی اخلاق و تعریف آن، موضوع علم اخلاق عبارت است از نفس انسانی از حیث صفات و افعال بر آمده از آنها؛ و البته می توان موضوع علم اخلاق را خود صفات نفسانی و افعال بر آمده از آنها دانست و محمولاتش را خوبی یا بدی، ریشه ها، آثار، پیامدها و راهکارها دانست.

بر اساس تعریف و موضوع علم اخلاق، می توان گفت: غایت و غرض علم اخلاق عبارت است از شناساندن نفس انسانی از حیث فضائل و رذائل اخلاقی و معرفی صفات و رفتارهای خوب و بد

اخلاقی و بیان راه کارهای کسب فضائل و دفع و رفع رذائل. و می توان بر اساس موضوع دومی که برای علم اخلاق مطرح شد چنین گفت که غرض علم اخلاق، معرفی صفات نفسانی خوب و بد و رفتارهای برخاسته از آنها از جهت ریشه ها، آثار، پیامدها و راهکارهاست. از این رو، کسی که علم اخلاق را مطالعه نماید با صفات و رفتارهای پسندیده و ناپسند اخلاقی آشنا شده و راهکارهای مربوطه را فرا می گیرد.

شایان ذکر است نباید بین غرض علم اخلاق و غایت و غرض عمل به مسائل و توصیه های اخلاقی که عبارت است از رسیدن به سعادت دنیا (فرانکنا، ۱۳۹۳: ۸۵ - ۸۶) یا سعادت آخرت (نراقی، ۱۳۸۸: ۷۴/۱) یا تهذیب نفس و کمال نفس (نراقی، ۱۳۷۸: ۱۹) و مانند آن خلط شود. آنچه در این قسمت بیان شد غرض علم اخلاق بود ولی بیشتر آثار اخلاقی (نک: طوسی، ۱۴۱۳: ۴۴؛ نراقی، ۱۳۸۸: ۷۴/۱؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۳: ۱۲۱) دومی را به عنوان غرض علم اخلاق بیان کرده اند.

مسائل علم اخلاق در کتب مختلف به شیوه های گوناگونی مطرح شده است. در آثاری مانند احیاء العلوم و المحجۀ البیضاء، صفات اخلاقی به دو دسته مهلکات و منجیات تقسیم بندی شده اند (ر.ک: غزالی، بی تا: ج ۸-۱۶؛ فیض، ۱۴۱۷: ج ۵-۸). در کتاب جامع السعادات، این مسائل بر اساس قوای عاقله، شهویه و غضبیه تنظیم شده است (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱-۳).

آیت الله جوادی آملی مسائل علم اخلاق را مرتبط با تهذیب نفس، شناخت فضایل و رذایل و روش های کسب فضایل و دوری از رذایل می داند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۵۰). استاد مصباح نیز به آموزش شیوه های کسب خوبی ها و رفع بدی ها در علم اخلاق اشاره کرده اند (مصباح، ۱۳۹۱: ۲۵). این پژوهش مسائل علم اخلاق را شامل بررسی صفات و رفتارهای اخلاقی نفس از نظر چیستی، خوبی یا بدی، ریشه ها، آثار و راهکارها می داند. به عنوان نمونه، در علم اخلاق حسادت به عنوان یک صفت درونی بررسی شده و درباره معنای آن، خوب یا بد بودنش، ریشه ها، پیامدها و راهکارهای رفع آن بحث می شود.

لازم به ذکر است که پژوهش های اخلاقی معمولاً در چهار گروه دسته بندی می شوند:

نخستین گروه اخلاق توصیفی است، که در آن با استفاده از روش های تاریخی یا نقل قولی، به بررسی و تحلیل ارزش های اخلاقی افراد یا جوامع مختلف می پردازند. (فرانکنا، ۱۳۹۳: ۲۵) دومین مورد فلسفه اخلاق است، که در آن توافق کاملی بر سر مسائل مختلف وجود ندارد. با این حال، برخی

معتقدند که حوزه این فلسفه از بررسی پیش‌فرض‌های اخلاقی تا مباحثی مانند معناشناسی، معرفت‌شناسی و معیارهای اخلاقی را در بر می‌گیرد. سومی، شاخه‌ای از علم اخلاق است که به بررسی و سازمان‌دهی فضایل و رذایل و اعمال خوب و بد به صورت کلی می‌پردازد. در این دانش، با تطبیق معیارهای اخلاقی معتبر در فلسفه اخلاق بر ویژگی‌های نفسانی مثل شجاعت، عفت، ترس و طمع (که نمایانگر افراط در عفت است)، یا بر اعمال عموم مانند وفای به عهد، صداقت، دروغ و شکستن وعده، فهرستی از فضایل و رذایل یا به تعبیر برخی، نجات‌بخش‌ها و تباہ‌کننده‌ها به دست می‌آوریم. بنابراین، گاهی به آن «اخلاق کاربردی» نیز گفته می‌شود. چهارمین بخش «اخلاق تربیتی» است که به موضوعاتی مانند چگونگی دستیابی به فضیلت‌ها و اجتناب از رذیلت‌های روحی و عملی می‌پردازد. (جوادی، دائرة المعارف قرآن کریم، مدخل اخلاق) گرچه به نظر این پژوهش علم اخلاق شامل اخلاق تربیتی نیز می‌شود.

۱.۳. رویکردهای علم اخلاق

برخی از پژوهشگران و نویسندگان در حیطه اخلاق اسلامی، رویکردها و کتب اخلاقی اسلامی را در چهار گروه دسته‌بندی کرده‌اند و معتقدند در تألیف این آثار، چهار رویکرد مطرح بوده است: ۱. اخلاق نقلی و حدیثی ۲. اخلاق عقلی و فلسفی ۳. اخلاق عرفانی و ۴. اخلاق تلفیقی. (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۴۷/۲۲؛ عالم زاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹؛ داوودی، ۱۳۸۷: ۳۰؛ دیلمی، ۱۳۹۷: ۲۰؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۶۱/۱)

ایشان معمولاً بر این باورند که اخلاق نقلی به معنای اخلاقی است که محدثان با جمع‌آوری و نقل اخبار و احادیث تدوین کرده‌اند. در مقابل، اخلاق فلسفی نوعی از اخلاق است که حکما و فلاسفه آن را ترویج داده‌اند. این نوع از اخلاق اغلب بر پایه پذیرش و الهام از نظریه اعتدال و حد وسط به عنوان معیار کلی برای فضایل اخلاقی استوار است. در این دیدگاه، فضیلت در تعادل قرار می‌گیرد، در حالی که افراط و تفریط به عنوان ویژگی‌های رذایل اخلاقی شناخته می‌شوند و معیار تشخیص خوبی و بدی محسوب می‌گردند. اخلاق عرفانی، یعنی اخلاقی که عرفا و صوفیه مروج آن بوده‌اند، و اخلاق تلفیقی، یعنی کتاب‌های اخلاقی که به روش ترکیبی و تلفیقی نگاشته شده است؛ یعنی نویسندگان آن کتاب‌ها تلاش کرده‌اند با تلفیق نقل با شهود یا نقل با عقل، یا نقل با عقل و

شهود (روایی- عرفانی، روایی - عقلی، روایی- فلسفی- عرفانی) مطالب اخلاقی را ارائه نمایند. (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۴۷/۲۲؛ دیلمی، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۲)

لازم به ذکر است برخی از کتبی که این رویکردها را بیان کرده اند (عالم زاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹) در ملاک و تمایز آنها از هم گاهی خطا و گاهی بین علمی مثل اخلاق عرفانی و عرفان عملی خلط کرده‌اند که در ادامه این مسئله تبیین خواهد شد.

۱.۴. عرفان

برای شناخت اخلاق عرفانی و تفاوت آن با عرفان عملی، لازم است به مفهوم‌شناسی عرفان اسلامی اشاره‌ای داشته باشیم.

واژه عرفان از ریشه (عرف) به معنای شناخت شیء با تمام خصوصیات، تفصیل و جزئیات آن است و عرفان اخص از علم است، زیرا علم مطلق آگاهی است، خواه به نحو اجمال و کلی باشد یا به گونه‌ای مفصل و همراه با جزئیات. پس می‌توان گفت هر عرفانی علم است ولی هر علمی عرفان نیست. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹۸/۸؛ راغب، ۱۵۶۰)

عرفان در اصطلاح، شناخت عمیق خداوند متعال، اوصاف جمال و جلال، اسمای حسنی و افعال اوست که بر اساس و پایه شهود قلبی - در حد توان بشر - برای انسان حاصل می‌شود. از این رو عرفان، علم توحید به قدر طاقت انسانی است که روشی خاص و پایه‌ای ویژه دارد. (واحدجوان، ۱۳۹۷: ۲۴)

عرفان از دیرباز در دو شاخه (بُعد) عمده تبلور یافته است؛ نخست شاخه عملی که عرفان عملی نام‌گذاری شده است و دیگری شاخه معرفتی که عرفان نظری نامیده شده است.

مجموعه‌ای از برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که سالک برای پیمودن مراحل سلوک و دستیابی به حقیقت به کار می‌گیرد، به عنوان عرفان عملی شناخته می‌شود.

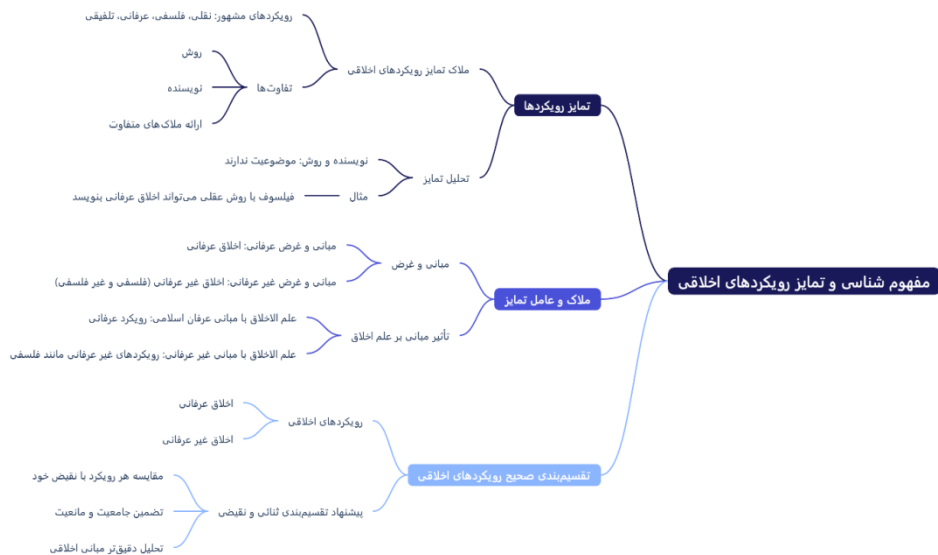
عرفان عملی به معنای ورود فرد به مسیر سیر و سلوک است، یعنی مراحل و مقامات را تحت نظارت استادی مجرب طی می‌کند تا به وصل و فنا برسد. عارفان با بهره‌گیری از شریعت و تجارب فردی حاصل از سیر و سلوک معنوی، به نظام‌مند کردن دانش مرتبط با منازل و مقامات عرفانی

پرداختند و بدین گونه بنیان علم عرفان عملی را بنا نهادند. این حوزه از دانش بر مطالعه دقیق مسیر سلوک عارفان و تحلیل علمی ریاضت‌های صوفیان تمرکز دارد.

بنابراین علم عرفان عملی، علم به مجموعه دستورالعمل‌ها، اصول و قواعد اعمال و احوال قلبی در قالب منازل و مقامات است که رعایت و عبور از آنها، انسان را به کمال نهایی می‌رساند و عرفان عملی خود عمل به دستورات سلوکی برای رسیدن به کمال نهایی است. (واحدجوان، ۱۳۹۷: ۲۵) محقق قیصری در توضیح بخش عملی عرفان می‌گوید که عرفان عملی دانش شناخت مسیر سلوک و مجاهده است، به‌طوری که نفس بتواند از محدودیت‌های جزئی رها شده و به اصل خویش وصل شود. (قیصری، ۱۳۸۱: ۷) به‌طور مشابه، علامه فناری عرفان عملی را به این شکل تعریف کرده است: دانش آباد کردن درون از طریق اعمال قلبی، شامل پاک‌سازی جان از صفات مهلک که عامل شقاوت هستند و آراستن درون به صفات نجات‌بخش؛ این دانش به‌عنوان تصوف و سلوک شناخته می‌شود. (فناری، ۱۳۷۴: ۶)

از سوی دیگر، علم عرفان نظری، علمی حصولی است که از حقایق دریافت‌شده از شهودات نهایی عارفان حکایت می‌کند. (امینی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۵۱) یعنی این علم در واقع بیان علمی مشهودات و مکاشفات نهایی و حاصل از سیر و سلوک و جذبه‌ی اهل معرفت است که با ابزار عقل و نقل ارائه می‌شود. (واحدجوان، ۱۳۹۷: ۲۸) قیصری در تعریف عرفان نظری بیان می‌کند که این علم به شناخت خداوند متعال از جنبه‌های اسماء، صفات و مظاهر او اختصاص دارد. همچنین، عرفان نظری به بررسی حالات مبدأ و معاد، درک حقایق عالم هستی و نحوه بازگشت این حقایق به حقیقت واحدی که همان ذات احدی است، می‌پردازد. (قیصری، ۱۳۸۱: ۷)

۲. ملاک تمایز رویکردهای اخلاقی



بعد از مفهوم شناسی، اولین محور، پاسخ به این سوال است که ملاک تمایز رویکردهای اخلاقی مشهور (نقلی، فلسفی، عرفانی و تلفیقی) چیست؟

پاسخ این است که آثاری که رویکردهای چهارگانه معروف نقلی، فلسفی، عرفانی و تلفیقی را برای اخلاق اسلامی بیان کرده‌اند، گاهی تفاوت و تمایز آن‌ها را در روش (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۶۱/۱)، گاهی در نویسنده (محدث یا فیلسوف یا عارف) (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۴۷/۲۲) و گاهی ملاک‌های متفاوت از هم ارائه کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد نویسنده و روش، موضوعیتی در تفاوت و تمایز علوم و رویکردها ندارد. چرا که به عنوان مثال، یک فیلسوف (نویسنده) می‌تواند با روش عقلی و فلسفی، اخلاق عرفانی بنویسد، همان‌گونه که می‌تواند با روش مشائی، حکمت متعالیه (مانند کتاب بدایه و نهایه الحکمه) و با روش فلسفی، عرفان نظری (مانند کتاب التمهید فی شرح قواعد التوحید) (که دانشی غیر از فلسفه است) بنگارد.

بر این اساس، باید توجه داشت که آنچه ملاک تمایز رویکردها باید باشد مبانی و غرض است که اگر عرفانی باشد آن اخلاق، عرفانی و اگر غیر عرفانی باشد آن اخلاق، غیر عرفانی (چه فلسفی و چه غیر فلسفی) خواهد بود.

به بیان دیگر، اگر علم الاخلاق با مبانی عرفان اسلامی نوشته شود گرچه نویسنده عارف اصطلاحی نباشد یا با روش فلسفی و عقلی یا روش نقلی یا ترکیبی بنویسد، آن اخلاق، رویکرد عرفانی دارد (مشروط به اینکه در بررسی مسائل اخلاقی پایبند به مبانی عرفانی باشد) و اگر علم الاخلاق با مبانی غیر عرفان اسلامی مثلا مبانی فلسفه کانت نوشته شود گرچه آن را یک عارف بنویسد یا با روش عارفان یا از آیات و روایات بهره گرفته شود، آن اخلاق غیر عرفانی یعنی اخلاق فلسفی کانت خواهد بود.

بنابراین، هر مکتب و رویکرد اخلاقی برای تبیین علم اخلاق از مبنایی بهره می‌برد و طبق آن مبنای کلی و بینش خاص مسائل اخلاقی را تحلیل و تبیین می‌کند. در اخلاق عرفانی، اخلاقیات با مبنای عرفانی بررسی می‌شوند. در مقابل اخلاق عرفانی، اخلاق غیر عرفانی قرار دارد یعنی تمام اخلاقیاتی که بر مبنایی غیر از مبنای عرفانی هستند. به همین جهت، تقسیم‌بندی رویکردهای اخلاقی به فلسفی، عرفانی، نقلی و تلفیقی به دلیل استقرائی بودن آن و نیز نداشتن معیار دقیق جهت تفکیک نمی‌تواند جامع و مانع باشد. به جای آن، پیشنهاد می‌شود که تقسیم‌بندی ثنائی و نقیضی انجام شود که در آن هر رویکرد با نقیض خود مقایسه گردد. این روش جامعیت افراد و مانعیت اغیار را تضمین می‌کند و به تحلیل دقیق‌تر مبنای اخلاقی کمک می‌کند. در این نوع تقسیم‌بندی، اخلاق عرفانی به عنوان یک رویکرد خاص با اخلاق غیر عرفانی مقایسه می‌شود تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها روشن‌تر گردد.

۳. چیستی اخلاق عرفانی (مبانی، موضوع، غرض و مسائل)



بعد از روشن شدن ملاک تفاوت رویکردهای اخلاقی، نوبت به محور دیگر یعنی تبیین چیستی اخلاق عرفانی می‌رسد.

اخلاق عرفانی در دو ساحت مطرح می‌شود: اخلاق عارفان و علم الاخلاق عرفانی. در اخلاق عارفان، آنچه مد نظر است خلقیاتی است که یک عارف در سیر و سلوک دارد. در واقع، عارفان انسان را به غیر واصل و واصل تقسیم می‌کنند: انسان سالک غیر واصل خلقیاتی دارد! همان‌طور که انسان واصل خلقیاتی دارد! از سوی دیگر، انسان واصل، گاهی فقط در فناست و گاهی در بقاء بعد از فنا است. هر کدام از این دو خلقیاتی دارند؛ گاهی مشترک و گاهی مختص. این بخش در واقع همانند خود اخلاق در مقابل علم اخلاق است.

در دومی که علم اخلاق عرفانی است، بررسی و تبیین علمی آنچه در علم اخلاق مطرح می‌شود با مبانی عرفان است؛ یعنی تعریف خلق (صفت و رفتار)، استدلال بر خوبی یا بدی، ریشه‌ها، نشانه‌ها، پیامدها و راهکارهای تحصیل و تقویت یا تهذیب و دوری و ... بر اساس مبانی عرفان اسلامی بررسی و تبیین می‌شود.

به بیان دیگر، علم اخلاق با رویکرد عرفانی همانند علم اخلاق با رویکرد نقلی و فلسفی داخل در علم اخلاق است که به تبیین و بررسی گزاره‌های اخلاقی، فضائل و رذائل و بیان راهکارها بر اساس مبانی عرفانی می‌پردازد.

۳.۱. مبانی اخلاق عرفانی

مبانی عرفانی که در علم اخلاق تأثیر می‌گذارد و آن را عرفانی می‌کند در حوزه‌های مختلفی مانند معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت‌شناسی قرار دارد. این مبانی از سه طریق به دست می‌آیند: اول، از طریق سلوک و شهود که در تعریف تصوف به عنوان پاکسازی و مشاهده ذکر شده است. (عجم، ۱۹۹۹: ۲۵) دوم، از طریق عرفان نظری که به تبیین علمی مشاهدات نهایی اهل معرفت درباره خداوند، صفات و افعال او می‌پردازد. سوم، از طریق فهم عمیق آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام که محصول عرفان عملی و نظری چیزی جز آن نیست. (حسن زاده، ۱۳۷۵: ۲۸۴/۱)

۳.۱.۱. معرفت‌شناسی عرفانی

در عرفان اسلامی، معرفت‌شناسی حقیقی بر پایه کشف و شهود به عنوان منبع اصیل، استوار است.^۱ (رج: آملی، ۱۳۹۴: ۱/۳/۳) و کشف و شهود به معنای اطلاع یافتن قلبی و حضوری به حقایق غیبی و امور حقیقی باطنی است که در پس حجاب بدن و دنیا قرار دارند.^۲ (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۰۷). بنابراین، معرفت عرفانی شناختی است که از دل برمی‌خیزد و ابزار دستیابی به آن، تزکیه و پاکسازی نفس و روح است. این نوع معرفت از جنس علوم و دانش‌های حصولی نبوده و به عنوان شناختی حضوری و وجدانی شناخته می‌شود.

۱. فالعلم عندهم عبارة عما يكشف لهم من الله خاصةً، بطريق الوحي والإلهام أو الكشف. و الكشف عبارة عن رفع الحجاب عن وجه المعلوم المطلوب لهم، بأى وجه كان، لأن العلم عندهم من الوجدانيات الذوقيات، لا الكسبيات الرسمية (رج: سيدحيدر آملی: نص النصوص فی شرح فصوص الحکم، بخش ۳، رکن ۳، فصل)

۲. الاطلاع على ما وراء الحجاب من المعاني الغيبية و الأمور الحقيقية وجوداً أو شهوداً (محمد داوود قیصری: شرح فصوص الحکم، مقدمة الفصل السابع فی مراتب الكشف و انواعها اجمالاً، ص ۱۰۷).

در این دیدگاه، عقل و نقل نیز به عنوان منبع معرفت پذیرفته می‌شوند (مشروط بر اینکه ادعای انحصار در آنها نشود و حد و محدوده‌اش مراعات گردد و مشوب به وهم و خیال و هوای نفس نگردد که در این صورت آن را مذمت می‌کنند) اما به دلیل حصولی بودن فهم در آنها، در مرتبه پایین‌تری نسبت به کشف و تحقق قرار دارند (ابن عربی، بی تا: ۱/ ۳۱۹) و به اموری که تنها از طریق شهود و حضور بدانها راه است،^۱ نمی‌توانند نائل شوند. حتی خود عقل و نقل نیز شهود و حق الیقین را بالاترین نوع معرفت می‌دانند.

بنابر آنچه گفته شد معرفت شناسی عرفانی، به عنوان یک مبنای اساسی در عرفان اسلامی، تأثیر عمیقی بر اخلاق عرفانی دارد. این نوع معرفت که از طریق تزکیه نفس و تصفیه روح حاصل می‌شود، فراتر از عقل و نقل بوده و مبنایی برای درک گزاره‌ها و رفتارهای اخلاقی است. در این رویکرد، اخلاق بازتاب حقیقت وجودی انسان و ارتباط او با حقایق غیبی است. کشف و شهود با رهایی از حجاب‌های وهم، درکی خالص‌تر از خوبی‌ها و بدی‌ها ارائه می‌دهد و به یقین اخلاقی می‌انجامد. بنابراین، در اخلاق عرفانی، کشف و شهود منبع اصلی برای شکل‌گیری اخلاق عرفانی محسوب می‌شود.

۳.۱.۲. هستی‌شناسی عرفانی

هستی‌شناسی عرفانی بر محور وحدت وجود است و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی دور این مسئله می‌گردند. در هستی‌شناسی عرفانی اصل و حقیقت وجود، خداوند است و کثرات و مخلوقات، آیات، مظاهر و تجلیات او هستند. (ابن عربی، ۱۴۲۱: ۴۰۱/۱؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۱۹۶؛ آملی، ۱۴۲۲: ۸۹/۵) در این دیدگاه، حق تعالی به‌عنوان مصداق بالذات وجود و موجود حقیقی شناخته می‌شود، و مخلوقات تنها از طریق وجود الهی تحقق یافته و موجود هستند، بدون اینکه کوچک‌ترین استقلال از خود داشته باشند (ابن عربی، بی تا: ۲۷۹/۱). بدین ترتیب، کثرات و مخلوقات به‌عنوان وجود و موجود مجازی توصیف می‌شوند (آملی، ۱۳۶۸: ۶۶۸). بنابراین، در وجود، کثرت، تباین و تشکیک محلی از

۱. تا جایی که صدرالمتألهین شیرازی نیز بیان کرده است: «حقیقه الوجود هی عین الهیة الشخصیة لا یمكن تصورها و لا یمكن العلم بها إلا بنحو الشهود الحضوری» (صدرالمتألهین شیرازی، الحکمة المتعالیة، ج ۶ ص ۸۵)

اعراب ندارد؛ در عوض، کثرت و تشکیک تنها در مظاهر، مجالی و آیات وجود، مطرح و قابل بحث است (واحدجوان، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

در جهان‌شناسی عرفانی، که تمامی پدیده‌های آفرینش به‌عنوان تعینات و تجلیات وجود حقیقی یعنی خداوند شناخته می‌شوند، نخستین مرحله از تعینات خلقی "عالم عقل" یا "عالم ارواح" است. مهم‌ترین ویژگی این عالم، تجرد عقلی موجودات متحقق در آن است، به گونه‌ای که به بیان جامی، این مجردات عقلی برخلاف مجردات برزخی در عالم مثال و نیز موجودات عالم ماده که امکان اشاره حسی به آن‌ها وجود دارد، فاقد این قابلیت هستند. (جامی، ۱۳۷۰: ۴۹)

مرحله دوم از تعینات خلقی، "عالم مثال" است که واسطه‌ای میان عالم عقل و عالم ماده محسوب می‌شود. این عالم، اگرچه از ماده مجرد است و فراتر از عالم ماده قرار دارد، اما دارای شکل، اندازه و رنگ است و در عین حال نسبت به عالم عقل در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار می‌گیرد. چون این عالم میانجی یا برزخ بین عالم عقل و عالم ماده است، تجرد آن تحت عنوان تجرد مثالی برزخی تعریف می‌شود. (قیصری، ۱۳۷۵: ۳۰) آخرین مرحله از تعینات خلقی، "عالم ماده" است که، با وجود اینکه از نظر شدت ظهور وجود در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد، از منظر ظهور و بروز کثرات در بالاترین مرتبه جای می‌گیرد. به همین دلیل، این عالم به "شهادت مطلقه" توصیف شده است. (جامی، ۱۳۷۰: ۵۸)

از نظر عارفان، همه عالم، چون مظهر اسماء الهی است پس نظام احسن است (ابن عربی، ۱۹۴۶: ۱۷۲) و حیات و شعور در مخلوقات سریان دارد. (ابن عربی، بی تا: ۳ / ۳۴۵)

چون همه عالم تنزلات خداوند است پس به سوی او بازگشت می‌کنند و قوس نزول و صعود لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند. از این رو معاد از منظر اهل معرفت بازگشت به سوی خداست. (آملی، ۱۳۸۲: ۱۰۴) و قیامت قطع تجلیات حق تعالی نیست بلکه تجلی اوست به نحوی دیگر و با اسمائی دیگر. (آملی، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

در جهان‌شناسی عرفانی، انسان‌شناسی بسیار پر رنگ است. انسان در این دیدگاه، مظهر و مجالای اسماء و صفات الهی است و روح انسانی به عنوان نزدیک‌ترین مخلوق به مبدا متعال شناخته می‌شود. از سوی دیگر، انسان کامل به عنوان مظهر اسم جامع الله، اولاً انسان کامل جامعیت دارد و همه اسماء الهی را مظهریت می‌کند (ابن عربی، ۱۹۴۶: ۵۴) ثانیاً جامع همه مراتب عالم است و واجد

همه ویژگی های همه مراتب آفرینش (لاهیجی، ۱۳۱۲: ۱۹۶) ثالثا واسطه بین حق و خلق در فیض وجودی و اعطای معارف و کمالات است. (ابن عربی، بی تا: ۳۹۱ / ۲؛ ابن عربی، ۱۹۴۶: ۴۹) رابعا خلیفه الهی است و بالمظهریه، تصرف می کند (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱ و ۲) خامسا غایت و هدف آفرینش بوده است. (ابن عربی، ۱۹۴۶:، ابتدای فص آدمی)

از منظر عرفان اسلامی، انسان دارای اراده است و این اراده منافاتی با وحدت وجود و توحید افعالی ندارد. (واحدجوان، ۱۳۹۷: ۴۴۵)

هستی‌شناسی عرفانی مبتنی بر وحدت وجود، تأثیر عمیقی بر اخلاق عرفانی دارد. در این دیدگاه، خداوند حقیقت مطلق وجود است و مخلوقات مظاهر او هستند. این نگرش، انسان را به شناخت عمیق‌تری از ارتباط با خدا و جهان هدایت می‌کند. اخلاق عرفانی بر توحید و شناخت حق تعالی استوار است.

۳.۱.۳. غایت‌شناسی

در عرفان اسلامی، انسان مراتب و بطونی دارد که عبارت است از مرتبه بدن، نفس، قلب، روح، سرّ، خفی و اخفی، که می‌تواند با جهاد نفس و تهذیب باطن در آنها سیر نموده و به مقالات عالی نائل شود. غایت‌شناسی عرفانی، تحقق به توحید و فناء فی الله است. یعنی در عرفان، اصل و اساس، عرفان عملی است که شناخت خداوند و توحید و فناء در او از طریق تهذیب نفس، سیر و سلوک، شهود قلبی و تحقق عینی است و تا جایی می‌تواند رشد کند که به فناء فعلی، وصفی و ذاتی نائل شود. (حسن زاده، ۱۳۷۵: نکته ۲۹۹) از این رو، انسان باید خداوند متعال را مقصد و مقصود خود انتخاب کرده و تعبدش به او باشد (ابن سینا، ۱۳۸۱: ۱۴۴) و تلاش نماید در همه مراحل زندگی و در تمام شئون ظاهری و باطنی، سیر الی الله و فی الله داشته باشد. بر این اساس، هر عملی که در آن انگیزه و نیت سالک، غیر از خداوند باشد، نوعی شرک و ردیلت محسوب می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷:

۱ / ۲۶)

غایت‌شناسی عرفانی به عنوان یکی از مبانی عرفانی، جهت‌دهنده و تعیین‌کننده اصول اخلاقی در اخلاق عرفانی است. در این دیدگاه، اخلاق عرفانی بر پایه تهذیب نفس، سیر و سلوک و شهود قلبی استوار است و هدف اصلی آن، رسیدن به توحید و فناء در خداوند است. بنابراین، هر عملی که

نیت و انگیزه آن غیر از خداوند باشد، از دیدگاه اخلاق عرفانی نوعی شرک و ردیلت محسوب می‌شود. این نگاه، اخلاق عرفانی را به سمت خلوص نیت، تعبد به خداوند متعال و پرهیز از هرگونه تعلقات دنیوی هدایت می‌کند. غایت اخلاق عرفانی نیز در همین راستا تعریف می‌شود؛ یعنی رسیدن به کمال انسانی از طریق قرب الهی و فناء ذاتی در حق. این غایت، انسان را به سوی زندگی‌ای هدایت می‌کند که تمام شئون ظاهری و باطنی آن در مسیر "سیر الی الله و فی الله" قرار گیرد و هدف نهایی آن، تحقق عبودیت محض در برابر خداوند متعال است.

۳.۲. موضوع، غرض و مسائل اخلاق عرفانی

بنابر آنچه در موضوع علم اخلاق اشاره شد، موضوع علم اخلاق عرفانی عبارت می‌شود از: نفس انسانی از حیث صفات و افعال برآمده از آنها؛ و البته می‌توان موضوع آن را خود صفات نفسانی و افعال برآمده از آنها دانست.

غرض اخلاق عرفانی شناساندن فضایل و رذایل اخلاقی و بیان چگونگی کسب فضایل و دوری از رذایل با مبنای عرفانی است. در برخی از موارد ممکن است صفت یا رفتاری در اخلاق غیرعرفانی فضیلت باشد اما در اخلاق عرفانی ردیلت شمرده شود. چنان که این جمله معروف است: «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۲۰۵) همچنین گاهی خلقی در اخلاق عرفانی فضیلت است در حالی که در اخلاق غیرعرفانی فضیلت محسوب نمی‌شود. به عنوان مثال، در اخلاق عرفانی، آنچه فضیلت است اموری است که صرفاً با نیت تقرب به خداوند انجام شود و آن امر، چنین قابلیت داشته باشد، حال اگر امری مانند کمک به فقیر بدون آن انگیزه صورت گیرد، در اخلاق عرفانی فضیلت محسوب نمی‌شود گرچه ممکن است در اخلاق‌های دیگر فضیلت باشد.

در اثر معراج السعاده، سطوح مختلفی برای اخلاص در نظر گرفته شده است که پایین‌ترین سطح آن، موسوم به اخلاص اضافی، به عملی اطلاق می‌شود که هدف فرد از انجام آن دستیابی به پاداش و رهایی از مجازات باشد. مطابق با نظر نراقی (نراقی ۱۳۷۸: ۹۵۹)، حتی اگر فرد عملی را با نیت به دست آوردن لذت‌های اخروی و گریز از عذاب جهنم انجام دهد، باز هم می‌توان آن را دارای اخلاص دانست، هرچند اخلاصی در پایین‌ترین مرتبه. با این حال، از منظر اخلاق عرفانی و بر پایه مبانی اهل معرفت همراه با رویکرد توحید عرفانی، تمایزی میان انگیزه‌های مذکور وجود ندارد. بدین معنا که

انجام عملی با هدف اجتناب از مجازات‌های دنیوی یا اخروی، یا برای کسب منافع مادی یا نعمات معنوی، هیچ‌یک نشانه‌ی اخلاص حقیقی به شمار نمی‌رود؛ چرا که هیچ‌کدام از این نیات به طور خالص و مطلق برای خداوند صورت نمی‌گیرد و فاقد ماهیت اخلاص واقعی است.

همچنین گاهی روش کسب فضائل و دوری از رذائل در علم الاخلاق عرفانی متفاوت از عالم الاخلاق غیر عرفانی است. به‌عنوان مثال در علم الاخلاق عرفانی تأکید می‌شود که تنها روش خلاصی از ریا و رسیدن به اخلاص واقعی، معرفت عرفانی در نظر (علم الیقین) و عمل (عین الیقین و حق الیقین) است.

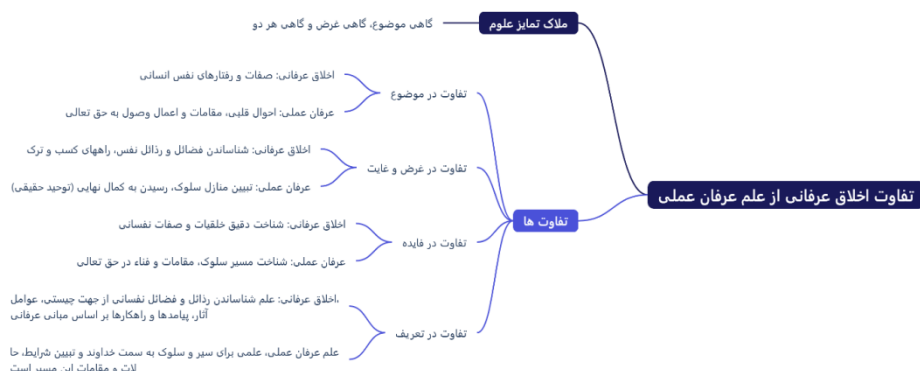
مسائل اخلاق عرفانی نیز همان‌طور که قبلاً گذشت همان مسائل علم الاخلاق است که با مبانی اهل معرفت تبیین و بررسی می‌شود. به‌عنوان مثال در علم الاخلاق عرفانی، بر اساس مبانی عرفان اسلامی، صفات زهد، حسادت، کبر یا دروغ‌گویی تعریف، استدلال بر خوبی یا بدی، ریشه، نشانه، پیامد و راهکار دوری از آن ارائه می‌شود.

به عنوان نمونه، علامه نراقی زهد را به عنوان نقطه مقابل محبت به دنیا و تعلق به مال تلقی می‌کند. از دیدگاه او، زهد به معنای بریدن دل از دنیا و قناعت به حد ضرورت برای حفظ حیات جسمانی است یا به عبارتی، پشت کردن به دنیا و گرایش به آخرت. این مفهوم، حتی در عالی‌ترین مراتب خود، به معنای کنار گذاردن هر چیزی غیر از خدا و تمرکز کامل بر ذات باری تعالی تعریف می‌شود. بر اساس این نگاه، زاهد مطلق فردی است که نه تنها از ماسوی‌الله دل بریده، بلکه تمنای بهشت و نعمت‌های آن را نیز در دل ندارد. با این حال، افرادی که از نعمت‌های دنیوی و مادی چشم‌پوشی کنند ولی همچنان به امید بهره‌مندی از بهشت و نعمات آن باشند نیز در زمره زاهدان قرار می‌گیرند، اما جایگاه آنان در مقایسه با زاهد مطلق در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارد. (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۳۶) اما در اخلاق عرفانی، با توجه به مبنای اهل معرفت که فقط خدا را وجود و موجودی مستقل می‌دانند و هر آنچه غیر اوست، صرفاً جلوه‌ای از او به شمار می‌آید، چنین تعبیر می‌شود که تمام میل و رغبت انسان باید به سوی آن وجود حقیقی معطوف شود. در نتیجه، لازم است انسان از ماسوی‌الله به معنای واقعی روی‌گردان باشد؛ زیرا در غیر این صورت، زهد حقیقی محقق نخواهد شد.

به بیان دیگر، در اخلاق عرفانی، زهد به معنای دل‌کندن از ماسوی‌الله و توجه کامل به خداوند مطرح است. برای نمونه، فردی که از مال دنیا برای کمک به نیازمندان استفاده می‌کند، اگر این کار

را تنها برای رضای خدا انجام دهد، در اخلاق عرفانی فضیلت محسوب می‌شود. اما اگر همین عمل با نیت کسب شهرت یا حتی پاداش اخروی باشد، در اخلاق عرفانی فضیلت کامل تلقی نمی‌شود. مثال دیگر، حسادت است. حسادت به عنوان یک صفت رذیله در علم اخلاق تعریف می‌شود و در اخلاق عرفانی نیز ریشه آن در دوری از خداوند و عدم توجه به قضا و قدر الهی دانسته می‌شود. برای رفع این صفت، در اخلاق عرفانی توصیه می‌شود که فرد به شناخت عمیق‌تر از توحید و تسلیم در برابر اراده الهی بپردازد.

۴. تفاوت اخلاق عرفانی از علم عرفان عملی



بهتر است ابتدا به این مسئله اشاره شود که ملاک تمایز علوم و دانش‌ها چیست؟ در واقع یک علم و دانش در اصطلاح، با چه معیاری از علم و دانش دیگر جدا می‌شود.

در وجه تمایز علوم، دست‌کم، پنج وجه وجود دارد:

وجه اول، تمایز به اغراض است یعنی تعدد غرض موجب تعدد علم و دانش می‌شود. (خراسانی، ۱۴۰۹: ۷) به عنوان مثال غرض علم فقه با غرض علم اصول و علم فلسفه متفاوت است. از این رو آن سه، از هم جدا هستند.

وجه دوم، تمایز به موضوعات است و تمایز موضوعات به تمایز حیثیات است. (جوادی، ۱۳۸۷: ۱۴۶/۱) به عنوان مثال، علم طب یک موضوع دارد و علم معدن‌شناسی موضوع دیگری دارد. یا کلمه و کلام موضوع علم نحو و صرف است ولی حیثیت در این دو متفاوت است زیرا در علم نحو اعراب و بناء و در علم صرف صحت و علت بررسی یا تبیین می‌شود.

وجه سوم، تمایز علوم به مسائل و محمولات است. (اصفهانی، ۱۳۷۲: ۹/۱)

وجه چهارم: تمایز علوم به ذات آنهاست. (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۶/۱)

وجه پنجم: تمایز علوم گاهی به موضوع، گاهی غرض و گاهی به مسائل است. (مکارم، ۱۴۲۸:

۴۱/۱)

از آنجا که تمایز و استقلال علوم امری حقیقی و تکوینی نبوده بلکه اعتباری است (خمینی، ۱۳۷۱: ۱/۳۴-۳۵) از این رو، از نظر پژوهش حاضر، وجه پنجم به صواب، نزدیکتر است. زیرا با توجه به تاریخ شکل‌گیری علوم و دانش‌ها، صرفاً موضوع یا غرض باعث تمایز نبوده بلکه ملاک شکل‌گیری هر علم و تمایزش از سایر علوم، وجود تناسب و سنخیت میان مسائل آن علم و وارد شدنش تحت عنوانی جامع است و اشکالی ندارد که تناسب مسائل گاه به خاطر وحدت موضوع و گاه به علت یکی بودن محمول و گاه به خاطر یکسان بودن غرض باشد. البته دقیقتر این است که بگوییم موضوع و غرض، باهم، وجه تمایز علوم را مشخص می‌کنند.

اما در تفاوت یا این‌همانی، گاهی برخی از محققین دچار خلط شده و اخلاق عرفانی را در موضوع، مسائل، اغراض یا هر سه مورد، متفاوت از علم الاخلاق دانسته و غرض یا موضوع و مسائلش را با عرفان عملی یکی پنداشته‌اند و این سبب می‌شود که اخلاق عرفانی را همان عرفان عملی معنا می‌کنند در حالی که همان‌طور که علم الاخلاق با علم عرفان عملی تفاوت‌هایی دارد (طهرانی، ۱۴۲۷: ۴۰۳؛ مطهری، ۱۴۰۰: ۷۹/۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۹) اخلاق عرفانی که رویکردی در حوزه علم الاخلاق است تفاوت‌هایی با علم عرفان عملی دارد. برای روشن شدن تفاوت‌ها، سراغ تفاوت در موضوع، غرض و مسائل دو دانش مذکور می‌رویم.

همان‌طور که گذشت موضوع اخلاق عرفانی نفس انسانی از جهت صفات و افعال صادره از آن است؛ در حالی که موضوع علم عرفان عملی، نفس انسانی از جهت مقامات، احوال قلبی و اعمالی است که موجب وصول و فنا به حق تعالی می‌شود.

به بیان دیگر، موضوع علم اخلاق عرفانی، صفات و رفتارهای نشأت گرفته از آن صفات می‌باشد و موضوع علم عرفان عملی، اعمال و احوال قلبی است از آن جهت که رساننده و موجب وصول به حق تعالی هستند. (یزدان پناه، ۱۳۹۵: ۳۱)

در واقع، گرچه موضوع این دو، شباهت ظاهری با هم دارند اما حیثیات آندو متفاوت است؛ مثل دو دانشی که موضوع آندو بدن انسان است اما یکی علم پزشکی نام دارد و دیگری علم تربیت بدنی. خلاصه اینکه، موضوع اخلاق عرفانی، صفات و افعال نفس انسانی است، در حالی که موضوع علم عرفان عملی، مقامات، احوال قلبی و اعمالی است که به وصول به حق تعالی منجر می‌شود. غرض و غایت اخلاق عرفانی، شناساندن فضائل و ردائل نفس و بیان راههای کسب فضائل و دوری از ردائل بر اساس مبانی عرفانی است، در حالی که غایت و غرض علم عرفان عملی شناساندن منازل و مقامات سلوک الی الله و نشان دادن راه رسیدن به کمال نهایی انسان، یعنی توحید حقیقی است.

به بیان دیگر، غایت علم اخلاق با هر رویکردی، تبیین تربیت نفس و رشد فضایل و دوری از ردایل برای رسیدن به سعادت دنیوی یا اخروی است؛ اما غایت عرفان عملی، تبیین راههای معرفت شهودی و تحقق وجودی به حقیقت هستی است و آنچه در اخلاق مصطلح اسلامی گرچه با رویکرد عرفانی مطرح است، به نوعی مقدمه آن محسوب می‌شود. آیت‌الله جوادی در این زمینه می‌فرماید: هدف علم اخلاق، تهذیب نفس است و در عرفان عملی، تحقق توحید. در حوزه اخلاق، انسان با تأدیب خود به فضایل، انجام واجبات و خودداری از ترک مستحبات، همچنین پرهیز از محرّمات و ترک مکروهات، برای رضایت خداوند تلاش می‌کند. این مسیر همگی در محوریت تهذیب نفس قرار دارد. اما در عرفان، نخستین گام عارف این است که با تمام وجود به مشاهده حق مطلق، یعنی خدای سبحان، زیبایی‌ها و جلال او بپردازد و توحید ذاتی، اوصاف، افعال و آثار را دریابد. در گام بعدی، عارف از مرز تهذیب نفس فراتر می‌رود؛ زیرا تهذیب نفس تنها یکی از مراحل آماده‌سازی برای پرواز عرفانی است. به بیان دیگر، عارف زمانی به مرحله پرواز معنوی می‌رسد که پیش‌تر اخلاق نیکو را در خود نهادینه کرده، نفس خود را تهذیب و تزکیه نموده و به انجام واجبات و مستحبات پایبند بوده باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۵۰)

خلاصه اینکه؛ غایت اخلاق عرفانی، شناخت فضائل و ردائل نفس و راههای کسب فضائل و دوری از ردائل است؛ اما غایت عرفان عملی، نشان دادن مسیر سلوک تا رسیدن به توحید حقیقی و کمال نهایی است.

گفتنی است اگر غرض اخلاق عرفانی، دقیقاً تبدیل به غرض و غایت عرفان عملی شود، در آن صورت تبدیل به علم عرفان عملی می‌شود و تخصصاً (نه تخصیصاً) از زیر مجموعه علم الاخلاق خارج می‌شود. در این صورت اخلاق عرفانی نخواهیم داشت و تنها علم الاخلاق متعارف و فلسفی خواهیم داشت همانطور که بزرگان حکمت، اخلاق را ذیل حکمت عملی در مقابل حکمت نظری ذکر کرده‌اند.

در اخلاق عرفانی بحث و سخن از اخلاق و چیستی آن و ریشه‌ها و نشانه‌ها و راهکارهای تحصیل و تهذیب و دغدغه فضایل و رذایل اخلاقی است گرچه با مبانی عرفانی مطرح می‌شود ولی در علم عرفان عملی بحث و سخن از سلوک و نحوه رفتن به سمت حقیقت و ریاضات عرفانی و منازل و مقامات و شهود و تحقق به توحید است. بنابراین، فایده اخلاق عرفانی، شناخت دقیق خلیقات بر اساس مبانی عرفانی است؛ اما فایده عرفان عملی، شناخت منازل سلوک، مقامات و راه‌های رسیدن به فناء و توحید حقیقی است.

در نتیجه مباحث بالا، در تعریف اخلاق عرفانی می‌توان گفت اخلاق عرفانی، علم شناخت رذائل و فضائل نفسانی و رفتاری با مبنای عرفانی است در حالی که علم عرفان عملی، علم سیر و سلوک به سوی خداوند است که به تبیین مسیر، حالات و مقامات می‌پردازد.

به عنوان مثال، در عرفان عملی، فردی که مراحل سلوک را طی می‌کند ممکن است به مقام فنا فی‌الله برسد و علم عرفان عملی از آنها سخن می‌گوید اما در اخلاق عرفانی، هدف اصلی شناخت فضایل و رذایل و تهذیب نفس است؛ مثلاً فردی که تلاش می‌کند صفت کبر را از خود دور کند، در مسیر اخلاق عرفانی گام برمی‌دارد.

شایان ذکر است که در حوزه نظر، عرفان عملی، یکی از مبانی اخلاق عرفانی است و در حوزه عمل و سلوک، اخلاق عرفانی مقدمه عرفان عملی می‌باشد.

۵. تقارب و ترابط اخلاق عرفانی با عرفان عملی



گرچه علم اخلاق عرفانی از علم عرفان عملی متفاوت است اما بین آندو علم، تقارب و ترابط نیز وجود دارد. از جمله:

در برخی از کتب عرفان عملی، برخی از مسائل اخلاقی مطرح شده است. به بیان دیگر، برخی پیامها و آموزه های اخلاق عرفانی در منابع اصیل عرفان عملی موجود است. البته این مسئله دلیل بر این مطلب نیست که مثلا کتاب منازل السائرین کتاب اخلاق عرفانی است بلکه به این معناست که نکاتی از اخلاق عرفانی در آن کتاب موجود است. مثل اینکه در کتاب فلسفی، نکته اخلاقی یا عرفانی ذکر شود. روشن است که آن کتاب، اخلاق یا عرفان نیست.

این دو علم در برخی مسائل مشترکند. یعنی هم علم اخلاق عرفانی سخن از اخلاص دارد و هم عرفان عملی، منتها در غرض و مبنای طرح مسائل متفاوتند.

در هر دو، گرایش به باطن به چشم وجود دارد و هر دو در پی تطهیر و پاک سازی ظاهر(افعال) و باطن (اخلاق و لایه های باطنی نفس و احوالات قلبی) انسان هستند، گرچه در غایت و غرض جدا می‌شوند.

مفاهیم و واژه‌های مشترک بین علم عرفان عملی و علم اخلاق با رویکرد عرفانی فراوان است.

تذکر مهم

همانطور که اشاره شد اگر بخواهیم چهارچوب علم اخلاق را به لحاظ موضوع، مسائل و غایت حفظ کنیم و تنها از مبنای عرفانی جهت حل مسائل اخلاقی استفاده کنیم، اخلاق عرفانی شکل می‌گیرد ولی اگر بخواهیم عمیق‌تر شده و اخلاق عرفانی را دقیقا بر اساس موضوع، مسائل و غایت عرفان عملی بررسی نماییم، علم اخلاق با رویکرد عرفانی از بین می‌رود و عرفان عملی جایگزین آن می‌شود. شاید به همین جهت است که برخی از بزرگان مانند علامه طباطبایی اخلاق را به نحوی تعریف کرده‌اند که گویا منحصر در اخلاق فلسفی و متعارف است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۱/۱) و از همین روست که برخی از بزرگان اهل معرفت در تعریف عرفان عملی و تصوف از مکارم اخلاق و مانند آن بهره گرفته‌اند. ابن عربی در تعریف تصوف بیان می‌کند: «تصوف به معنای پابندی به آداب شرعی، به صورت ظاهری و باطنی، و برخورداری از اخلاق نیکو است.»^۱ (ابن عربی، بی تا: ۱۲۸/۲)

۱. «فإن قلت وما التصوف قلنا الوقوف مع الآداب الشرعیة ظاهرا و باطنا و هی مکارم الأخلاق».

اما با توجه به مباحث ملاک تمایز علوم و رویکردها، بهتر و دقیقتر این است که اخلاق را منحصر در حکمت عملی در مقابل حکمت نظری ندانیم و مسائل اخلاقی را با مبانی اهل معرفت نیز بررسی نماییم و علم الاخلاق عرفانی را در کنار علم الاخلاق فلسفی و نقلی، به رسمیت بشناسیم و آن را از علم عرفان عملی جدا کنیم.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل مفهوم اخلاق عرفانی و تمایز آن از عرفان عملی، تلاش کرده است تا تعریفی جامع و دقیق از اخلاق عرفانی ارائه دهد و جایگاه آن را در میان رویکردهای اخلاقی اسلامی روشن نماید.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق عرفانی، به عنوان یکی از رویکردهای مهم در علم اخلاق، بر مبانی عرفان اسلامی استوار بوده و بر شناخت فضایل و ردایل نفسانی و رفتاری با استفاده از اصول و مبانی عرفانی تأکید دارد. در مقابل، علم عرفان عملی به بررسی منازل و مقامات سلوک و راه‌های وصول به حقیقت می‌پردازد و غایت آن تحقق توحید و فنای فی‌الله است.

این پژوهش همچنین نشان داد که تمایز میان اخلاق عرفانی و عرفان عملی در موضوع، غرض و مسائل آن‌ها نهفته است. در حالی که موضوع اخلاق عرفانی، صفات و افعال نفس انسانی است، موضوع عرفان عملی به مقامات و احوال قلبی تا مراحل فناء، معطوف است. علاوه بر این، غایت اخلاق عرفانی، تربیت نفس و ارتقاء فضایل اخلاقی است، در حالی که غایت عرفان عملی، رسیدن به کمال نهایی که همان فناء فی‌الله و بقاء بالله (توحید حقیقی) است.

با وجود تفاوت‌های مذکور، ارتباطات و تقاربهایی نیز میان این دو علم وجود دارد، به طوری که اخلاق عرفانی می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به عرفان عملی باشد. همچنین بهره‌گیری از مبانی عرفان عملی در اخلاق عرفانی می‌تواند به غنای بیشتر این رویکرد کمک کند.

در نهایت، این پژوهش بر ضرورت تفکیک دقیق میان اخلاق عرفانی و عرفان عملی تأکید داشته و پیشنهاد می‌کند که اخلاق عرفانی به عنوان یک رویکرد مستقل در علم اخلاق اسلامی مورد توجه قرار گیرد تا بتواند پاسخگوی چالش‌های اخلاقی جامعه معاصر باشد.

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن سینا، حسین. (۱۳۸۱ش). *الاشارات و التنبيهات*. قم: بوستان کتاب.
۲. ابن سینا، حسین. (۱۴۰۴ق). *الشفاء*. قم: مرعشی نجفی
۳. ابن عربی، محیی الدین. (۱۹۴۶م). *فصوص الحکم*. قاهره: دار احیا الکتب العربیه.
۴. ابن عربی، محیی الدین. (بی تا). *الفتوحات المکیه (اربع مجلدات)*. بیروت: دارالصادر.
۵. ابن عربی، محیی الدین. (۱۳۷۰ش). *نقش الفصوص*. تهران: وزارت ارشاد.
۶. ابن مسکویه رازی، ابوعلی احمدبن محمد. (۱۳۷۳ش). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. قم: انتشارات بیدار.
۷. ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. ج ۴ بیروت: انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۷۲). *نهایه الدرایه فی شرح الکفایه*. قم: نشر سیدالشهداء.
۹. امین، احمد. (۱۳۷۳ق). *الاخلاق*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. امینی نژاد، علی. (۱۳۹۴). *آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی*. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
۱۱. آملی، حیدر. (۱۳۸۲ش). *انوار الحقیقه و اطوار الطریقه و اسرار الشریعه*. قم: نور علی نور.
۱۲. آملی، حیدر. (۱۳۹۴). *نص النصوص فی شرح الفصوص*. قم: بیدار.
۱۳. بیصار، محمد. (۱۹۷۳م). *العقیده و الاخلاق*. بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
۱۴. پالمر، مایکل. (۱۳۸۵). *مسائل اخلاقی*. مترجم: علیرضا آل بویه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۵. جامی، عبدالرحمن. (۱۳۷۰). *نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص*. قم: وزارت ارشاد
۱۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹ش). *سیری در سپهر اخلاق*. قم: صحیفه خرد.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). *عین نضاح (تحریر تمهید القواعد)*. قم: نشر اسرا
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷ش). *دین شناسی*. قم: نشر اسرا
۱۹. جوادی، دائرة المعارف قرآن کریم، مدخل اخلاق

۲۰. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۵ش). هزار و یک کلمه. ایران-قم: بوستان کتاب قم.
۲۱. حلی، حسن. (۱۴۱۳ق). کشف المراد. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۲. خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۰۹ق). کفایه الاصول. قم: آل البيت.
۲۳. خمینی، روح الله. (۱۳۸۷). تهذیب الاصول. مقرر: جعفر سبحانی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۴. داوودی، محمد. (۱۳۸۷). اخلاق اسلامی. مبانی و مفاهیم. قم: دفتر نشر معارف
۲۵. دیلمی، احمد. (۱۳۹۷). اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف
۲۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت، دارالشامیه
۲۷. رضایی، علی. (۱۳۹۳). سیروسلوک: طرحی نو در عرفان عملی شیعی. قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۸. ریچلرز، جیمز. (۱۳۸۷). فلسفه اخلاق. مترجم: آرش اخگری. تهران: نشر حکمت
۲۹. ژکس. (۱۳۶۲). فلسفه اخلاق. مترجم: ابوالقاسم پورحسینی. تهران: امیرکبیر.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ایران-قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
۳۱. طوسی، محمد. (۱۳۷۳ش). اوصاف الاشراف. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۲. طوسی، محمد. (۱۴۱۳ق). اخلاق ناصری. تهران: علمیه اسلامی.
۳۳. طهرانی، محمدحسین. (۱۴۲۷ق). آیت نور. مشهد: علامه طباطبایی.
۳۴. عالم زاده نوری، محمد، جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۵). کتابشناخت اخلاق اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۵. عجم، رفیق. (۱۹۹۹م). موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون
۳۶. غزالی، ابوحامد محمد. (بی تا). احیاء علوم الدین. بیروت: نشر دارالکتب العربی.
۳۷. غزالی، محمد. (۱۴۰۹ق). الاربعین فی اصول الدین. لبنان: دارالکتب العلمیه
۳۸. فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۹۳). فلسفه اخلاق. مترجم: هادی صادقی. قم: کتاب طه
۳۹. فناری، محمد. (۱۳۷۴). مصباح الانس. تهران: مولی.

۴۰. فیض کاشانی، محسن. (۱۴۲۳ق). *الحقائق فی محاسن الاخلاق*، ایران-قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۷). *محجه البیضا*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. قیصری، داوود. (۱۳۷۵ش). *شرح فصوص الحکم (القیصری)*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. قیصری، داوود. (۱۳۸۱). *مجموعه رسائل قیصری*، ایران-تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه اسلامی.
۴۴. لاهیجی، محمد. (۱۳۱۲). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*. بمبئی.
۴۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ش). *فلسفه اخلاق*. ایران-قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۷. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴ش). *آشنایی با علوم اسلامی*. تهران: انتشارات صدرا.
۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷ش). *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: انتشارات صدرا.
۵۰. مطهری، مرتضی. (۱۴۰۰). *کلیات علوم اسلامی*. قم: صدرا.
۵۱. معین، محمد. (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
۵۲. مغنیه، محمدجواد. (۱۳۶۱ش). *فلسفه اخلاق در اسلام*. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
۵۳. مکارم، ناصر. (۱۴۲۸ق). *انوار الاصول*. قم: مدرسه امام علی.
۵۴. نراقی، احمدبن محمد. (۱۳۷۸ش). *معراج السعاده*. ایران-قم: موسسه انتشارات هجرت.
۵۵. نراقی، مهدی. (۱۳۸۸). *جامع السعادات*، لبنان: موسسه اعلمی للمطبوعات.
۵۶. واحدجوان، وحید. (۱۳۹۷ش). *وحدت وجود در عرفان اسلامی*. ایران-قم: انتشارات سبط النبی.

۵۷. ویلیامز، برنارد. (۱۳۸۳). *فلسفه اخلاق*. مترجم: زهرا جلالی. قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.

۵۸. یزدان پناه، یدالله. (۱۳۹۵ش). *فروغ معرفت در اسرار خلافت و ولایت*. تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول.

References

1. *The Holy Qur'an*.
2. 'Ajam, R. (1999 AD). *Mawsū'at Muṣṭalahāt al-Taṣawwuf al-Islāmī*. Beirut: Maktabat Lubnān Nāshirūn.
3. Alamzade Nuri, M., et al. (2006 AD/1385 SH). *A Bibliography of Islamic Ethics*. Qom: Islamic Propagation Office of the Qom Seminary.
4. Amīn, A. (1373 AH). *al-Akhlāq*. Beirut: Dār al-Kutub al-Ilmiyyah.
5. Amini Nejad, A. (2015 AD/1394 SH). *An Introduction to Islamic Mysticism*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
6. Amoli, Ḥ. (2003 AD/1382 SH). *Anwār al-Haqīqah wa Aṭwār al-Ṭarīqah wa Asrār al-Sharī'ah*. Qom: Nūr 'Alā Nūr Publications.
7. Amoli, Ḥ. (2015 AD/1394 SH). *Naṣṣ al-Nuṣūṣ fī Sharḥ al-Fuṣūṣ*. Qom: Bīdār Publications.
8. Bayṣār, M. (1973 AD). *al-Aqīdah wa al-Akhlāq*. Beirut: Dār al-Kitāb al-Lubnānī.
9. Collective Authors. (2010 AD/1389 SH). *A Survey of the Horizon of Ethics*. Qom: Ṣaḥīfah-ye Khirad Publications.
10. Davoudi, M. (2008 AD/1387 SH). *Islamic Ethics: Foundations and Concepts*. Qom: Ma'ārif publication.
11. Deylami, A. (2018 AD/1397 SH). *Islamic Ethics*. Qom: Ma'ārif publication.

12. Fanari, M. (1995 AD/1374 SH). *Miṣbāḥ al-Uns*. Tehran: Mawla Publications.
13. Fayḍ Kāshānī, M. (1423 AH). *al-Ḥaqā'iq fī Maḥāsini al-Akhlāq*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
14. Fayḍ Kāshānī, M. b. Shāh Murtaḍā. (1417 AH). *Maḥajjat al-Bayḍā'*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
15. Frankena, W. K. (2014 AD/1393 SH). *Ethics*. (H. Sadeqi, Trans.). Qom: Tāhā Publications.
16. Ghazālī, A. Ḥ. M. (n.d.). *Iḥyā' 'Ulūm al-Dīn*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī.
17. Ghazālī, M. (1409 AH). *al-Arba'īn fī Uṣūl al-Dīn*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
18. Hasanzadeh Amoli, H. (1996 AD/1375 SH). *One Thousand and One Points*. Qom: Bustān-i Kitāb.
19. Ḥillī, Ḥ. (1413 AH). *Kashf al-Murād*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
20. Ibn 'Arabī, M. (1946 AD). *Fuṣūṣ al-Ḥikam*. Cairo: Dār Iḥyā' al-Kutub al-'Arabiyyah.
21. Ibn 'Arabī, M. (1991 AD/1370 SH). *Naqsh al-Fuṣūṣ*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
22. Ibn 'Arabī, M. (n.d.). *al-Futūḥāt al-Makkiyyah*. 4 vols. Beirut: Dār Ṣādir.
23. Ibn Manẓūr, M. M. (1414 AH). *Lisān al-'Arab*. Vol. 4. Beirut: Dār al-Fikr li al-Ṭibā'ah wa al-Nashr wa al-Tawzī'.
24. Ibn Miskawayh al-Rāzī, A. A. M. (1994 AD/1373 SH). *Tahdhīb al-Akhlāq wa Taḥlīl al-A'rāq*. Qom: Bīdār Publications.

25. Ibn Sīnā, Ḥ. (1404 AH). *al-Shifā'*. Qom: Maktabat Āyat Allāh al-Marʿashī al-Najafī.
26. Ibn Sīnā, Ḥ. (2002 AD/1381 SH). *al-Ishārāt wa al-Tanbīhāt*. Qom: Bustān-i Kitāb.
27. Isfahani, M. H. (1993 AD/1372 SH). *Nihāyat al-Dirāyah fī Sharḥ al-Kifāyah*. Qom: Sayyid al-Shuhadā' Publications.
28. Jacks. (1983 AD/1362 SH). *Philosophy of Ethics*. (A. Pūrḥusaynī, Trans.). Tehran: Amīr Kabīr Publications.
29. Jāmī, A. R. (1991 AD/1370 SH). *Naqd al-Nuṣūṣ fī Sharḥ Naqsh al-Fuṣūṣ*. Qom: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
30. Javadi Amoli, A. (2008 AD/1387 SH). *ʿAyn Nuḍākh (A Revision of Tamhīd al-Qawāʿid)*. Qom: Esrā Publications.
31. Javadi Amoli, A. (2008 AD/1387 SH). *Religion Studies*. Qom: Esrā Publications.
32. Javadi. (n.d.). *Encyclopedia of the Holy Qurʾan*. Entry: "Ethics."
33. Khomeini, R. (2008 AD/1387 SH). *Tahdhīb al-Uṣūl*. (J. Subḥānī, Comp.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
34. Khurāsānī, M. K. (1409 AH). *Kifāyat al-Uṣūl*. Qom: Āl al-Bayt Institute.
35. Lahijī, M. (1933 AD/1312 SH). *Mafātūḥ al-Iʿjāz fī Sharḥ Gulshan-i Rāz*. Bombay.
36. Majlisī, M. B. (1403 AH). *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-ʿArabī.
37. Makarem Shirazi, N. (1428 AH). *Anwār al-Uṣūl*. Qom: Imam Ali School.
38. Misbah Yazdi, M. T. (2012 AD/1391 SH). *Ethics*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

39. Motahhari, M. (1995 AD/1374 SH). *An Introduction to Islamic Sciences*. Tehran: Sadra Publications.
40. Motahhari, M. (1998 AD/1377 SH). *Collected Works of Martyr Motahhari*. Tehran: Sadra Publications.
41. Motahhari, M. (2021 AD/1400 SH). *Generalities of Islamic Sciences*. Qom: Sadra Publications.
42. Mu'ain, M. (1999 AD/1378 SH). *Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications.
43. Muqnie, M. J. (1982 AD/1361 SH). *The Philosophy of Ethics in Islam*. Tehran: Badr Research and Publications Office.
44. Mustafawi, H. (1989 AD/1368 SH). *al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
45. Narāqī, A. b. M. (1999 AD/1378 SH). *Mi'rāj al-Sa'ādah*. Qom: Hijrat Publications.
46. Narāqī, M. (2009 AD/1388 SH). *Jāmi' al-Sa'ādāt*. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li al-Maṭbū'āt.
47. Palmer, M. (2006 AD/1385 SH). *Moral Problems*. (A. Āl Būyeh, Trans.). Qom: Islamic Culture and Thought Research Institute.
48. Qaysari, D. (1996 AD/1375 SH). *Sharḥ Fuṣūṣ al-Ḥikam*. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
49. Qaysari, D. (2002 AD/1381 SH). *Collected Treatises of Qayṣarī*. Tehran: Institute for Research in Wisdom and Philosophy of Iran.
50. Rachels, J. (2008 AD/1387 SH). *The Elements of Moral Philosophy*. (A. Akhgarī, Trans.). Tehran: Ḥikmat Publications.

51. Rāghib Iṣfahānī, Ḥ. (1412 AH). *al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Shāmiyyah.
52. Rezaei, A. (2014 AD/1393 SH). *Spiritual Wayfaring: A New Approach to Shi'i Practical Mysticism*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
53. Tabatabaei, M. Ḥ. (1417 AH). *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers of Qom.
54. Tehrani, M. Ḥ. (1427 AH). *The sign of light*. Mashhad: Allamah Tabatabaei Publications.
55. Tusi, M. (1413 AH). *Naseri Ethics*. Tehran: 'Ilmiyyah Islāmiyyah Publications.
56. Tusi, M. (1994 AD/1373 SH). *Awṣāf al-Ashrāf*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
57. Vahedjavan, V. (2018 AD/1397 SH). *The Unity of Being in Islamic Mysticism*. Qom: Sibṭ al-Nabī Publications.
58. Williams, B. (2004 AD/1383 SH). *Ethics*. (Z. Jalālī, Trans.). Qom: Daftar-e Nashr-e Ma'ārif. First Edition.
59. Yazdanpanah, Y. (2016 AD/1395 SH). *The Light of Gnosis in the Mysteries of the Caliphate and Wilāyah*. Tehran: Orouj Printing and Publishing. First Edition.